



A Study of Political Wisdom as the Theoretical Foundation of Religious System-Building with Emphasis on the Views of the Two Imams of the Revolution

Hassan Abdi¹

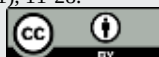
1. Associate Professor, Department of Philosophy, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
hassanabdi20@yahoo.com

Abstract

Today, the discussion of "religious system-building" has been widely raised in scholarly and academic circles. The discussion of religious system-building has various and extensive dimensions. One of the dimensions of this discussion is the philosophical and foundational dimension. The present writing seeks to examine an important question concerning the "philosophy of religious system-building." The main question of this writing is: From the perspective of Imam Khomeini (may God have mercy upon him) and Imam Khamenei (may God prolong his sublime shadow), what role does "political wisdom" play in establishing the theoretical foundation of religious system-building? The method employed in this research is the "documentary" method. Based on referring to primary religious texts as well as the works and sources of His Eminence Imam Khomeini (may God have mercy upon him) and Imam Khamenei (may God prolong his sublime shadow), the following results are obtained: (1) Rationality is a perceptual faculty in the human being. (2) Rationality dictates that, for the preservation of human social life, the formation of government is necessary. (3) Based on rational perception, preserving the government and confronting its challenges is a necessary and essential matter. (4) Based on the outlook of His Eminence Imam Khomeini (may God have mercy upon him) and Imam Khamenei (may God prolong his sublime shadow), this rational judgment has been endorsed by Islamic Sharia. (5) Given that the aforementioned judgment is not bound or conditioned by any condition or restriction, one can refer to the aforementioned rational judgment, which is considered to arise from political wisdom, as an absolute and primary judgment. (6) Accordingly, any judgment in Islamic Sharia will be "subordinate" to and "governed" by the aforementioned judgment, and in the deduction and extraction of any Sharia ruling, it is necessary to pay attention to the issue of preserving the Islamic system. (7) Furthermore, it is necessary to research and investigate the challenges that threaten the existence of the Islamic government and to formulate and organize solutions for confronting these challenges. (8) One of the best instruments that can be effective in consolidating the Islamic government is "religious system-building." What is meant by religious system-building is the presentation of a codified and comprehensive program for the administration of the social affairs of the Islamic society. (9) This religious system-building covers all dimensions and aspects of Islamic governance. (10) Given that any system-building must be organized based on the principle of "compatibility" among its components, on the basis of religious system-building the ground for the emergence of incompatibility and conflict among the different sides of Islamic governance will be eliminated.

Keywords: Islamic system, religious system, system-building, theoretical foundations, political wisdom, Imam Khomeini, Imam Khamenei.

Cite this article: Abdi, H. (2026). A Study of Political Wisdom as the Theoretical Foundation of Religious System-Building with Emphasis on the Views of the Two Imams of the Revolution. , 1(1), 11-28.



Publisher: Imam Hossein University.

"Authors Retain The Copyright"

Volume info

Vol. 1
Series: 1
Spring 2026
P.P: 11-28

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
26 May 2026
Revised:
24 June 2026
Accepted:
01 October 2026
Published:
23 September 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN:
E-ISSN:





بررسی خرد سیاسی به مثابه بنیاد نظری نظام سازی دینی با تأکید بر آراء امامین انقلاب

حسن عبدی^۱

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، قم، ایران. hassanabdi20@yahoo.com

چکیده

امروزه بحث «نظام سازی دینی» به صورت گسترده در محافل علمی و آکادمیک مطرح شده است. بحث نظام سازی دینی ابعاد مختلف و گسترده ای دارد. یکی از ابعاد این بحث، ابعاد فلسفی و بنیادی است. نوشتار حاضر در پی بررسی یک پرسش مهم در زمینه «فلسفه نظام سازی دینی» است. پرسش اصلی این نوشتار عبارت است از: از منظر امام خمینی (ره) و امام خامنه ای (دام ظلّه الوارف) «خرد سیاسی» چه نقشی در تأسیس بنیاد نظری نظام سازی دینی دارد؟ روش به کار رفته در این تحقیق روش «استنادی» است. بر اساس مراجعه به متون دست اول دینی و نیز آثار و منابع حضرت امام خمینی (ره) امام خامنه ای (دام ظلّه الوارف) این نتایج به دست می آید: (۱) عقلانیت توانی ادراکی در انسان است. (۲) عقلانیت حکم می کند که برای حفظ حیات اجتماعی انسان، تشکیل حکومت لازم است. (۳) بر اساس ادراک عقلانی، حفظ حکومت و مقابله با چالش های آن امری لازم و ضروری است. (۴) بر اساس نگرش حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) و امام خامنه ای (دام ظلّه الوارف) عقلانیت اسلامی این حکم عقلی مورد تأیید شریعت اسلامی قرار گرفته است. (۵) با توجه به این که حکم مذکور مقید و مشروط به هیچ شرط و قیدی نیست، می توان از حکم عقلانی مذکور که برآمده از خرد سیاسی محسوب می گردد، به یک حکم مطلق و اولیه یاد کرد. (۶) بر این اساس هرگونه حکمی در شریعت اسلامی «تابع» و «محموم» حکم مذکور خواهد بود و در استنباط و استخراج هر حکم شرعی لازم است به مسئله حفظ نظام اسلامی توجه شود. (۷) افزون بر این، لازم است نسبت به چالش هایی که موجودیت حکومت اسلامی را تهدید می کند، تحقیق و پژوهش کرد و راه کارهای مقابله با این چالش ها را تدوین و تنظیم کرد. (۸) یکی از بهترین ابزارهای می تواند در تثبیت حکومت اسلامی مؤثر افتد «نظام سازی دینی» است. مقصود از نظام سازی دینی ارائه برنامه ای مدون و جامع برای اداره امور اجتماعی جامعه اسلامی است. (۹) این نظام سازی دینی همه ابعاد و اضلاع حکمرانی اسلامی را پوشش می دهد. (۱۰) با توجه به این که هرگونه نظام سازی باید بر اساس اصل «سازگاری» میان اجزا سامان یابد، بر اساس نظام سازی دینی زمینه برای بروز ناسازگاری و تعارض میان اضلاع مختلف حکمرانی اسلامی از میان خواهد رفت.

کلیدواژه ها: نظام اسلامی، نظام دینی، نظام سازی، بنیادهای نظری، خرد سیاسی، امام خمینی (ره)، امام خامنه ای (دام ظلّه الوارف).

استناد: عبدی، حسن. (۱۴۰۵). بررسی خرد سیاسی به مثابه بنیاد نظری نظام سازی دینی با تأکید بر آراء امامین انقلاب.

مطالعات نظام سازی اسلامی و پژوهش های فرهنگی و تمدنی، ۱۱(۱)، ۲۸-۱۱.

"حق چاپ برای نویسندگان محفوظ است"

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع).



OPEN ACCESS

سال و شماره

سال ۱، پیاپی: ۱
بهار ۱۴۰۵
صص: ۲۸-۱۱

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۱۶

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی:

الکترونیکی:



مقدمه

گفته شده است که انسان مدنی بالطبع است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۱۷). اگر هم در این نکته کوچک‌ترین تردیدی وجود داشته باشد، دست‌کم در این مطلب شکی وجود ندارد که بخش مهمی از حیات انسان «زندگی اجتماعی» است. اهمیت بخشیدن به زندگی اجتماعی هم از مرور تاریخ گذشته انسان آشکار می‌گردد و هم از تلاش متفکران در تحلیل و تبیین چیستی و ابعاد زندگی اجتماعی به دست می‌آید. خاستگاه زندگی اجتماعی انسان را هر چه بدانیم، به هر حال از جمله اهداف زندگی اجتماعی، کمک به انسان در راستای شناخت سعادت واقعی و تسهیل حرکت در مسیر رسیدن به سعادت واقعی است. در این نکته نیز تردید وجود ندارد که سامان دادن زندگی اجتماعی از راه تدوین برنامه‌های منسجم و پیش‌بینی راه‌های تحقق به برنامه مذکور است. با توجه به مطالب مطرح شده، پرسش اصلی تحقیق عبارت است از: از منظر امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) «خرد سیاسی» چه نقشی در تأسیس بنیاد نظری نظام‌سازی دینی دارد؟

روش به کار رفته در این تحقیق روش «استنادی»^۱ است که بر اساس آن نخست به بررسی متون و منابع مرتبط با پرسش تحقیق پرداخته خواهد شد (ساروخانی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۵۵-۲۵۴) و در ادامه با گردآوری اطلاعات و داده‌های مرتبط تلاش خواهد شد پاسخ پرسش تحقیق اصطیاد گردد. در مقام اصطیاد پاسخ نیز لازم است به تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده پرداخت و در این زمینه تلاش شده است از روش «تحلیل کلاسیک متن» استفاده گردد. در این روش با مبنا قرار دادن اصول متعارف فهم و درک یک متن، سعی می‌گردد از دخالت دادن پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌ها در تفسیر متن مذکور اجتناب شود (دوورژه، ۱۳۶۲: ۱۰۴). درباره پیشینه تحقیق باید یادآور شد که بر اساس تحقیقات انجام شده، روشن می‌شود که هر چند درباره «نظام‌سازی» از منظر امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) آثار مختلفی منتشر شده است^۲، اما درباره این مسئله که «خرد سیاسی» چه نقشی در نظام‌سازی از منظر ایشان دارد، تحقیقی انجام نشده است.

۱ documentary research

۲. برخی از منابعی که در زمینه «نظام‌سازی» از منظر امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) منتشر شده است، عبارت است از:

۱- مفهوم‌شناسی

یکی از گام‌های مهم در بررسی پرسش اصلی آن است که اصطلاحات به کار رفته در پرسش تحقیق، توضیح داده شود. مهم‌ترین اصطلاحات به کار رفته در پرسش تحقیق عبارت است از: خرد سیاسی، بنیاد نظری، نظام‌سازی. در ادامه توضیح این اصطلاحات ذکر می‌شود، سپس صورت‌بندی دقیق پرسش تحقیق و تعیین حدّ و مرز دقیق سؤال اصلی تحقیق مطرح خواهد شد.

مقصود از «خرد سیاسی» رویکردی کلان در بررسی و حل مسائل است که بر اساس کاربست هماهنگ عقل و نقل استوار است و شالوده آن را توجه به ابعاد سیاسی تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر نحوه مواجهه با یک مسئله و حل آن که بر پایه هماهنگی عقل و نقل باشد (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۶) و در آن توجه خاصی به بُعد سیاسی شده باشد، «خرد سیاسی» شمرده می‌شود. منظور از «بنیاد نظری» پایه و زمینه فکری و اندیشگی برای یک فعالیت نظری است. به عبارت دیگر هر فعالیت

رشاد، علی اکبر، *فرایند نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر نظام سیاسی، فقه و سیاست*، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ه. ش.

مقیمی، غلامحسین، *ساختار حکومت اسلامی - ولایی و شبکه درونی آن*، فقه و سیاست، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ه. ش.

ملک افضلی اردکانی، محسن، و دیگران، *مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول*، مطالعات اسلامی فقه و اصول، سال چهل و چهارم، شماره یک، بهار ۱۳۹۱ ه. ش.

سیدباقری، سیدکاظم، *نظام‌سازی در فقه سیاسی شیعه؛ روی‌کردها و توانمندی‌ها*، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال نهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ه. ش.

موسی‌زاده، ابراهیم، *اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب*، حکومت اسلامی، سال بیست و پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹ ه. ش.

فضایلی، محمدحسین، *درآمدی بر نظام‌سازی فقهی با روی‌کردی عقلی*، دیدگاه‌های حقوق قضایی، سال بیست و پنجم، شماره هشتاد و نهم، بهار ۱۳۹۹ ه. ش.

عینی‌زاده، محمد، و سید رضا مؤدب، *نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای*، مطالعات قرآن و حدیث، سال یازدهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ه. ش.

این مقالات هر چند جسته و گریخته مسائلی درباره نظام‌سازی دینی ارائه کرده‌اند، اما هم چنان جای این پرسش وجود دارد که خرد سیاسی چه نقشی در نظام‌سازی دینی بر عهده دارد؟ مرور این منابع حاکی از آن است که در هیچ یک از مقالات فوق، به بررسی جایگاه «خرد سیاسی» در نظام‌سازی دینی توجه نشده است.

فکری به یک پایه و اساسی نیاز دارد که می‌توان از آن به «بنیاد نظری» تعبیر کرد. در برابر بنیاد نظری می‌توان از «زمینه‌های وجودی» نام برد که ناظر به زمینه‌های فردی، روانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری یک اندیشه و تفکر است. واژه «نظام» واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای هماهنگ‌سازی به کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۵۷۹)، می‌توان گفت این کلمه بر «سامانه‌ای مرکب از تعدادی اجزاء که هدف خاصی را دنبال می‌کنند» به کار می‌رود و از آنجا که رسیدن به هدف مذکور بر اساس هماهنگی و سازگاری میان اجزاء میسر است، از این رو به این سامانه «نظام» گفته می‌شود. بر این اساس مراد از «نظام‌سازی» فرایند تأسیس سامانه‌ای فکری و نظری است که مرکب از تعدادی از اجزاء است که هدف خاصی را دنبال می‌کنند؛ بنابراین اصطلاح «نظام‌سازی» ناظر به یک فرایند است. اگر هدفی که این سامانه به دنبال تحقق آن است، «دینی» باشد، نظام‌سازی را نظام‌سازی دینی می‌گویند.

بر اساس این توضیحات پرسش تحقیق این گونه صورت‌بندی خواهد شد که از منظر امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) جایگاه رویکرد هماهنگی عقل و نقل در تجزیه و تحلیل مسائل در راستای فرایند تأسیس سامانه فکری و نظری جهت تحقق اهداف دینی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ اکنون و در راستای بررسی این پرسش، به توضیح عقلانیت اسلامی و نقش آن در نظام‌سازی دینی می‌پردازیم.

۲- عقلانیت اسلامی

درباره عقلانیت اسلامی، چند محور مورد توجه است: چیستی عقلانیت، ویژگی‌های عقلانیت اسلامی و ابعاد سیاسی عقلانیت اسلامی. اصطلاح «عقل»، «عقلانیت» و «تعقل» به معانی مختلفی به کار می‌رود. اصطلاح عقل در برخی اطلاقات و کاربردها به معنای «موجودی مجرد» به کار رفته است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۱۷) و در برخی کاربردها به معنای قوه و توانایی در نفس انسانی برای درک امور کلی (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۴۷). در اینجا مقصود از عقلانیت همین کاربرد دوم است که به معنای توانایی و قوه‌ای در نفس انسان برای درک امور کلی است. این توانایی بالاترین سطح درک مفهومی در انسان است که به او در راه درک حقایق عالم یاری می‌رساند. روشن است که برخی از ادراکات عقلی از چنان ارزش و اعتبار معرفت‌شناختی برخوردار است که انکار و نفی آن

نه تنها نادرست بلکه «خودمتناقض» است (مصباح و محمدی، ۱۴۰۲: ۹۲). حضرت امام خمینی (ره) از عقلانیتی سخن به میان می‌آورد که پایه و اساس آموزه‌های دینی است، به گونه‌ای که هرگونه انکار آن یا تردید در ارزش و اعتبار آن موجب تزلزل بنیادهای دینی خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۲-۲۱). این عقلانیت که موهبتی الهی به انسان است، زمینه را برای شناخت «سعادت واقعی» فراهم خواهد ساخت و چنین نیست که نیازهای انسان را تنها در حد نیازهای طبیعی و مادی تفسیر کند. این موهبت الهی به نیازهای معنوی انسان توجه دارد و هدف از حیات بشر را صرفاً رسیدن به اهداف مادی را به مثابه هدف زندگی انسان نمی‌شمارد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۰۷؛ امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹). چه این که از نظر امام خمینی (ره) هدف اصلی دین اسلام «تربیت انسان‌ها» است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۵۳۱) و در تنظیم این هدف در کنار توجه به نیازهای مادی و طبیعی انسان، لازم است ابعاد معنوی حیات او نیز مورد توجه قرار گیرد، بلکه ابعاد معنوی حیات انسان مقدم بر ابعاد مادی زندگی او در نظر گرفته شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۵۳۲). عقلانیت حکم می‌کند که برای تمشیت امور اجتماعی و نظم بخشیدن به امور لازم است «حکومت»ی تشکیل شود و عهده‌دار تنظیم و هدایت امور جامعه گردد. ضرورت تشکیل حکومت، یک ضرورت عقلی است که هر فرد عاقلی - بدون در نظر گرفتن دین و مذهب او - بر آن تأکید دارد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «برای این که هرج و مرج و عنان گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۷).

پس از روشن شدن مفهوم «عقلانیت» لازم است به این نکته توجه شود که عقل به مثابه قوه‌ای در وجود انسان که توانایی درک امور اساسی را واجد است، با در نظر گرفتن شرایط جهان و نیازهای انسان حکم می‌کند که باید به امور اجتماعی انسان نظم بخشید و از آنجا که چنین نظم‌ی ضامن بقا و استمرار حیات انسانی است، حفظ و دفاع از این نظم اجتماعی لازم است. این حکم عقل، حکمی است که از منظر شریعت اسلامی نیز تأیید شده است. حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «ابعاد سیاسی و اجتماعی مربوط به اصلاح زندگی دنیوی نه تنها در احکام حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام ملحوظ است، بلکه حتی احکام عبادی اسلام که همانا وظایف خاص بندگان خدا در قبال آفریدگارشان است، نیز عاری از عنصر سیاست نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹). روشن است که حفظ و دفاع از نظم اجتماعی راه‌های مختلفی دارد. مهم‌ترین راه برای حفظ و

دفاع از نظم اجتماعی ایجاد اُلفت و اُنس میان اعضای جامعه است. برای رسیدن به این هدف عقل حکم می‌کند که لازم است عواملی که مانع شکل‌گیری اُلفت و اُنس میان اعضای جامعه می‌گردد، شناسایی شود و نسبت به تقویت آن‌ها اقدام گردد، علاوه بر این که شناسایی موانع اُلفت و اُنس میان اعضای جامعه انسانی نیز زمینه را برای مقابله با این عوامل فراهم می‌سازد. از این‌روست که اگر می‌بینیم ظلم و فساد باعث از هم گسیختگی جامعه می‌گردد، از نظر عقل، مقابله با ظلم و فساد و تلاش برای اجرای عدالت در جامعه لازم و ضروری شمرده می‌گردد. همین حکم عقلی نیز مورد تأیید شریعت اسلامی قرار گرفته است. حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «اسلام برای اقامه حکومتی عدل‌گستر آمده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰).

در مجموع باید گفت که عقل به‌مثابه یک توان ادراکی در انسان تشکیل حکومت و نظم‌بخشی به امور جامعه را لازم می‌شمارد و هرگونه ایجاد خلل در این امر را باعث در مخاطره قرار گرفتن حیات انسانی می‌شمارد. این حکم عقلی، حکمی است که مورد تأیید شریعت اسلامی قرار گرفته است. حکم مذکور یک حکم کلی است و از آنجا که ناظر به شرایط حفظ حیات اجتماعی انسان است، مقید به هیچ قید و شرطی نیست و به عبارت دیگر حکمی مطلق است. از چنین حکمی می‌توان به «حکم اولیه» یاد کرد. همان‌گونه که در سخنان امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) نیز آمده است: «حکومت از احکام اولیه است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۱۱/۲).

البته باید توجه داشت که هر چند عقلانیت حکم می‌کند که برای حفظ حیات اجتماعی انسان، تشکیل حکومت و حفظ آن لازم است، اما این‌گونه نیست که برای حکومت هدفی جز حفظ حیات انسان متصور نباشد. حکومت از طریق حفظ حیات انسان درصدد تأمین اهداف متعالی انسان است و اگر از جمله مهم‌ترین اهداف انسانی رسیدن به «سعادت واقعی» باشد، حکومت بهترین ابزار برای فراهم کردن زمینه جهت رسیدن انسان به سعادت خویش است. حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «اسلام فقط عبادت نیست فقط تعلیم عبادی و امثال این‌ها نیست. اسلام سیاست است اسلام از سیاست دور نیست. اسلام یک حکومت بزرگ به وجود آورده است. یک مملکت بزرگ به وجود آورده است. اسلام یک رژیم است یک رژیم سیاسی، سایر رژیم‌های سیاسی از بسیاری امور غافل بودند و اسلام از هیچ چیز غافل نیست، معنی اسلام انسان را تربیت می‌کند، به همه ابعاد که انسان دارد» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶: ۲۰۰).

همان گونه که از عبارت بالا به دست می‌آید توجه به همه ابعاد وجود انسانی و از جمله مسئله تربیت انسانی که در راستای رساندن انسان به سعادت واقعی اوست، به مثابه هدف اسلام از تأکید بر نیاز به تشکیل حکومت شمرده شده است. همان گونه که بیان شد، حکم به لزوم تشکیل حکومت یک حکم مطلق و از احکام اولیه است. حال با توجه به این که رسیدن انسان به سعادت حقیقی خود همه احکام دیگر اسلامی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، می‌توان گفت که تشکیل حکومت و حفظ نظم اجتماعی همه احکام شرعی دیگر را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد. به عبارت دیگر همه احکام اسلامی دارای ابعاد حکومتی و سیاسی خواهد بود. از این روست که حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) تصریح می‌کنند که ابعاد سیاسی آموزه‌های اسلامی بیش از ابعاد عبادی محض آن است: «احکام سیاسی اسلام بیش از احکام عبادی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵؛ ج ۳: ۲۲۷).

بر اساس مطالب گفته شده، عقلانیت اسلامی حکم می‌کند که لازم است حکومتی تشکیل شود و همه تلاش‌ها برای حفظ این حکومت که هدفی جز فراهم کردن زمینه برای انسان جهت رسیدن به سعادت واقعی ندارد، لازم است؛ به عبارت دیگر حفظ چنین حکومتی به معنای حفظ اسلام خواهد بود؛ و از این روست که حضرت امام خمینی (ره) تصریح می‌کند که «حفظ اسلام یک تکلیف شرعی است برای همه ما» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۱۰۲)، بنابراین می‌توان به این نتیجه پی برد که در منظومه فکری حضرت امام خمینی (ره) «حفظ نظام اسلامی» دال مرکزی است و همه مفاهیم دینی دیگر بر اساس آن تجزیه، تحلیل و تبیین می‌گردد؛ به عبارت دیگر، احکام اسلامی از جمله نماز، حج و... در سایه «حفظ نظام اسلامی» بازخوانی می‌شود. به فرض اگر در مواردی انجام «حج» خطری را متوجه «حفظ نظام اسلامی» سازد، لازم است وجوب حفظ نظام اسلامی را بر وجوب انجام حج مقدم داشت.^۱ از همین روست که در نظر ایشان «مصلحت نظام اسلامی» بر هر امر دیگری

۱. البته خوانندگان محترم توجه دارند که در این جا «تقدیم وجوب حفظ نظام بر وجوب انجام حج» صرفاً یک «فرض» است تا بر اساس آن میزان اهمیت و ضرورت حفظ نظام اسلامی نمایان گردد، و الا یکی از احکام شرعی که زمینه تثبیت و توسعه نظام اسلامی را فراهم می‌سازد، عمل به «حج ابراهیمی» است و به فرموده حضرت امام «از ملی‌گرایی خطرناکتر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است ... امروز چاره چیست و برای شکستن این بت‌ها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می‌باشد؟ یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان بلکه تمامی مستضعفان و درپند کشیده شدگان جهان است و این وحدت که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده اند، با دعوت

مقدم است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۲)، حتی در نظر ایشان امر به معروف و نهی از منکر که دو واجب مهم در شریعت اسلامی است، به «ایجاد و حفظ نظام اجتماعی» مربوط می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۱).

مشابه همین سخنان را در بیانات امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) نیز می‌توان مشاهده کرد. ایشان نیز ضمن تأکید بر لزوم حفظ حکومت اسلامی و تلاش برای دفاع از آن، بر همه‌جانبه بودن احکام اسلامی و سیاسی و حکومتی بودن همه احکام شرعی تأکید دارند. ایشان می‌فرمایند: «اسلام سیاسی یعنی اسلامی که سیاست اداره‌ی جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد؛ یعنی اسلام می‌شود مدیر جامعه.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵).

ممکن است این پرسش مطرح گردد که در تقابل با «خرد سیاسی» به مثابه بنیاد نظری نظام‌سازی دینی چه تفکر و جریانی قرار دارد؟ در پاسخ به این پرسش باید یادآور شد که مخالفان خرد سیاسی به مفهومی که پیشتر توضیح داده شد، جریان‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند. روشن است که مقابله با عنصر «عقلانیت سیاسی» هم از سوی کسانی دنبال می‌شود که به رغم اعتقاد و ایمان به اسلام، با اتخاذ روش «ظاهرگرایی» درصدد ارائه تصویری از اسلام برمی‌آیند که نه تفسیر صحیحی از اعتقادات اسلامی به دست می‌دهد و نه توان پاسخ‌گویی به نیازهای بشری را داراست. برای نمونه کسانی که با ردّ عقلانیت اسلامی و بر اساس روش ظاهرگرایی، صفات جسمانی را به خداوند نسبت می‌دهند و برای خداوند «ابعاد جسمانی» قائل می‌شوند (ابن تیمیه، ۱۴۲۷، ج ۳: ۴۲)، حقیقت اسلام را به خوبی دریافته‌اند و هم از این رو در عرصه اندیشه سیاسی نیز به سمت «جدایی دین از سیاست» گام برمی‌دارند. از سوی دیگر کسانی نیز که «عقلانیت سکولار» غربی را به جای عقلانیت اسلامی می‌نشانند، ضمن بر ساخته شمردن دین از سوی افراد (ابوزید، ۱۹۹۴: ۷۵) و ردّ هرگونه مداخله دین در امور سیاسی، تصویری انزواگرایانه از دین ترسیم می‌کنند.

و تبلیغ دامنۀ دار باید بوجود آید و مرکز این دعوت و تبلیغ، مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است که ابراهیم خلیل الله و محمد حبیب الله شروع و در آخر الزمان حضرت بقیۀ الله - ارواحنا لمقدمه الفدا - تعقیب می‌کند. به ابراهیم خلیل الله خطاب می‌شود که مردم را به حج بخوان تا برای شهود منافع خود از همه اقطار بیایند. این منافع جامعه است، منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۸۱، و ج ۱۸: ۹۰).

۳- نظام‌سازی دینی

یکی از ارکان مهم این پژوهش تمرکز بر چیستی و ابعاد نظام‌سازی دینی است. توجه به مسئله نظام‌سازی دینی در سخنان امام خامنه‌ای (دام‌ظله الوارف) نمود چشم‌گیری دارد. برای نمونه ایشان بر این باور است که «انقلاب اسلامی دیرزمانی است که به «نظام‌سازی» در عرصه مدیریت جامعه روی آورده است و در این زمینه نیز دچار رکود، تحریف و انحراف نشده است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹). در ادامه به واکاوی ابعاد مختلف نظام‌سازی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام‌ظله الوارف) می‌پردازیم.

۳-۱- چیستی نظام‌سازی

در اینجا مقصود ما از نظام‌سازی، تدوین برنامه جامعی است که همه ابعاد زندگی اجتماعی را پوشش دهد و در آن به محورهایی مانند «اصول»، «اهداف»، «روش‌ها» و «محتوا» پرداخته شده باشد؛ به عبارت دیگر مراد از نظام‌سازی طرحی جامع نسبت به همه ابعاد زندگی انسان در اجتماع است که بتواند با ارائه راه کارهای صحیح و دقیق مسیر رسیدن فرد به سعادت را هموار سازد. می‌توان از دو گونه نظام‌سازی سخن به میان آورد: (أ) نظام‌سازی کلان، (ب) نظام‌سازی خرد. نظام‌سازی کلان به برنامه‌ای کاربردی اطلاق می‌گردد که مجموعه فرایندهای مختلفی که در جامعه اسلامی در راستای رسیدن به اهداف جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد را ترسیم می‌کند. برای مثال نظام‌سازی در یک جامعه باید چندان جامع و کلان باشد که ابعاد مختلف اقتصاد، سیاست، تعلیم و تربیت و ... را شامل گردد؛ بنابراین هنگامی که از نظام‌سازی سخن به میان می‌آید، مقصود ارائه یک برنامه کامل است که همه ابعاد زندگی اجتماعی را در نظر بگیرد. این نظام‌سازی کلان خود شامل برخی «خرده نظام»ها می‌شود که هر یک عهده‌دار سامان دادن به بخشی از زندگی اجتماعی است. برای مثال خرده نظام «تعلیم و تربیت» در پی ارائه برنامه‌ای است که همه ابعاد مرتبط با تعلیم و تربیت در سامان دهد. این خرده نظام هم به ترسیم اهداف تعلیم و تربیت می‌پردازد و هم به واکاوی و بررسی ابزارها و روش‌های مناسب برای رسیدن به اهداف مذکور می‌پردازد. خرده نظام تعلیم و تربیت در کنار ترسیم اهداف و روش، به تبیین اصول تعلیم و تربیت نیز توجه دارد. در مجموعه خرده نظام تعلیم و تربیت مباحثی از قبیل اصول، اهداف و روش‌های پیش‌برد فرایند تعلیم و تربیت را مورد توجه قرار می‌دهد.

تردیدی نیست که خرده نظام تعلیم و تربیت نگاهی همه جانبه به فرایند تعلیم و تربیت دارد و تلاش دارد تا به یک برنامه کاربردی کلان در زمینه تعلیم و تربیت دست یابد، اما نباید از نظر دور داشت که لازم است اجزای این خرده نظام در هماهنگی و سازگاری کامل با «نظام‌سازی کلان» قرار داشته باشد. برای نمونه اهدافی که برای تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی در نظر گرفته می‌شود باید در راستای تحقق بخشیدن به اهداف کلان نظام‌سازی اسلامی قرار داشته باشد و این گونه نباشد که برای اهداف نظام کلان اهمیتی قائل نگردد یا حتی اهداف در نظر گرفته شده در نظام‌سازی کلان را خنثی سازد.

۳-۲- نظام‌سازی دینی

در دین اسلام، بر اساس مفاد آیات و روایات معصومین (س) هر کنش و عملی که جنبه اجتماعی داشته باشد، دارای حکم شرعی است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۰)؛ بنابراین اگر سخن از نظام‌سازی دینی به میان می‌آید این نظام‌سازی همه کنش‌ها و رفتار شهروندان را شامل می‌گردد. از این رو می‌توان از این نظام کلان که ناظر به همه ابعاد زندگی اجتماعی است به «نظام‌سازی کلان دینی» تعبیر کرد. البته روشن است که حجم آیات و روایات معصومین (س) چندان گسترده نیست که نسبت به حکم شرعی یک کنش‌ها و رفتارها به «صراحت» مطلبی بیان کرده باشد، بلکه بیان احکام همه کنش‌ها و رفتارها از طریق «القای اصول» انجام می‌گیرد (الحرّ العاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۴۱) و تطبیق این اصول بر مصادیق و موارد آن، به «اجتهاد» نیاز دارد.^۱ بر همین اساس است که حضرت امام خمینی (ره) فقه یا همان شریعت را «تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور» به شمار آورده است (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۲۸۹) و بر همین پایه است که امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) قلمرو اجتهاد را چنان گسترده می‌بیند که مستلزم نظر ورزی در حوزه تعلیم و تربیت، سیاست، صنعت، زراعت و... را شامل می‌گردد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۲۵۰).^۲

۱. البته خوانندگان محترم توجه دارند که نظریه‌هایی مانند «منطقه الفراغ» که از سوی برخی متفکران اسلامی مطرح شده است، به معنای محدود بودن دایره احکام شرعی نیست و چنین نیست که منطقه فراغ و اباحه فاقد حکم شرعی باشد، بلکه کنش‌ها و رفتارهایی که در این منطقه قرار می‌گیرد، مشمول حکم «اقتضایی» یا «اباحه» خواهد بود که به نوبه خود «حکم شرعی» قلمداد می‌گردد (ر. ک. صدر، ۱۴۲۴: ۴۴۳).

۲. در این زمینه چالشی وجود دارد مبنی بر این که نگرش «حداقلی» به دین مستلزم آن است که از هر گونه مداخله دین در عرصه‌های مختلف زندگی جلوگیری کرد، در حالی که بیان فوق نشان می‌دهد که حفظ نظام در تقابل با هر

نظام‌سازی دینی بر پایه برخی از اصول و مبانی استوار شده است که بخش مهمی از این اصول و مبانی را «مبانی معرفت‌شناختی» تشکیل می‌دهد. مبانی معرفت‌شناختی زمینه را برای تبیین و توجیه معرفت‌های به کار رفته در نظام‌سازی دینی فراهم می‌سازد. در این مبانی سخن از منابع معرفت و اعتبار هر کدام به میان می‌آید و توضیح می‌دهد که در استخراج نظام جامع دینی باید به کدام دسته از منابع معرفت مراجعه کرد و لازم است از کدام منابع ادعایی معرفت پرهیز کرد. بر اساس مبانی معرفت‌شناختی نظام‌سازی دینی، یکی از منابع مهم در زمینه تدوین و استخراج نظام دینی، منبع «عقل» است. در آیات و روایات معصومین (س) تأکیدات زیادی بر اعتبار و ارزش «عقل» مطرح شده است تا آن جایی که وقتی از یکی از معصومین (س) دربارهٔ اختلاف میان روایات و نحوه حل این اختلافات سؤال می‌شود، ایشان «عقل» را به مثابه راه‌حل اختلاف در روایات مطرح می‌کند (الحرانی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۴۵۰).

مسئله اصلی این است که «حفظ نظام» یکی از مهم‌ترین احکامی است که «عقل» انسان بر آن تأکید دارد؛ به عبارت دیگر یکی از احکام مهم عقل لزوم حفظ نظام معاش است. با توجه به این که یکی از مراحل ممکن است زمینه آسیب به نظام و معاش گردد، مرحله نظام‌سازی است، به‌ویژه اگر بحث نظام‌سازی دینی در میان باشد، لازم است به «اصل حفظ نظام» به مثابه اصلی بنیادی و عقلی در تدوین نظام‌سازی دینی توجه کرد. اگر در این زمینه کوتاهی، قصور یا تقصیری رخ دهد، موجب می‌گردد جامعه اسلامی از دست‌یابی به اهداف خود محروم گردد. حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در این زمینه تأکید دارند که لازم است امورات جامعه به گونه‌ای تنظیم گردد که موجب «اختلال امور نظام» نگردد و زمینه‌ساز هرج و مرج نشود. ایشان تصریح می‌کند که «حفظ النظام من الواجبات الأكيدة» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۱۹). اگر حفظ نظام از اهم واجبات باشد، بدون تردید هر گونه مطالعه نظام‌مند و برنامه‌ریزی برای سامان دادن به امور جامعه نیز- که مقدمه حفظ نظام محسوب می‌گردد- واجب خواهد بود و لازم است انجام این واجب با چنان دقت و اتقانی انجام شود که زمینه را بر هر گونه کاستی و چالشی از میان ببرد. حضرت امام خمینی (ره) تصریح می‌کنند

گونه نگرش «حداقلی» به دین است. بنابراین هر گونه نظام‌سازی دینی اقتضا می‌کند که ابعاد مختلف زندگی بشر که می‌تواند واجد بُعد اجتماعی گردد، مورد توجه قرار گیرد و رابطه آن به مسئله حفظ و استمرار نظام دینی بررسی گردد (ر. ک. جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

که اندیشه اسلامی دارای نظام و سیستم خاص خود است که همه ابعاد و شئون زندگی بشر را در برمی‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۶۸).

روشن است که هرگونه تلاش برای برنامه‌ریزی جهت تمشیت امور جامعه بدون توجه به عناصری که می‌تواند موجودیت جامعه را در مخاطره قرار دهد، غیرعقلانی خواهد بود. از این‌رو در یک ابعاد نظام‌سازی لازم است به این نکته توجه گردد که اصول، برنامه‌ها و روش‌ها نباید به گونه‌ای تنظیم و تدوین گردد که زمینه ضعف و سستی در نظام را فراهم کند. بر همین اساس است که امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) تأکید زیادی بر «نظام‌سازی» دارند و این امر را مانعی در برابر مخاطراتی می‌دانند که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی نشود، آن‌ها را خطر تهدید می‌کند...، باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی شود؛ باید یک قاعده مستحکمی به وجود بیاید» (امام خامنه‌ای ۱۳۹۱/۹/۲۱). با توجه به اهمیت خرد سیاسی در تأسیس، تثبیت و تقویت نظام دینی، در ادامه به بررسی جایگاه آن می‌پردازیم.

۴- جایگاه خرد سیاسی در نظام‌سازی دینی

گفته شد که مراد از نظام‌سازی دینی، فرایند تأسیس سامانه‌ای فکری و نظری است که مرکب از تعدادی از اجزاء است که هدف خاصی را دنبال می‌کنند که اگر هدفی که این سامانه به دنبال تحقق آن است، «دینی» باشد، نظام‌سازی را نظام‌سازی دینی می‌گویند. بنابراین نظام‌سازی دینی، برنامه‌ای جامع است که همه کنش‌ها و رفتار اجتماعی شهروندان مسلمان را سامان ببخشد و از آنجا که این نظام اجزای مختلفی دارد، مراد از نظام‌سازی دینی «نظام‌سازی کلان» است. حال روشن است که از یک سو، جامعه‌ای که بناس بر پایه این نظام‌سازی کلان هدایت شود، در معرض چالش‌ها و مخاطراتی قرار خواهد داشت؛ و از سوی دیگر حفظ نظام مستلزم آشنایی دقیق و کامل با منابع و ساختارهای قدرت در نظام جهانی است. از این جاست که لزوم مبنا قرار دادن اصلی معرفتی به مثابه پایه این نظام‌سازی کلان آشکار می‌گردد.

می‌توان از شیوه بررسی و تحلیل نظام سیاست جهان و تجزیه و تحلیل مناسبات سیاسی حاکم بر نظام قدرت به «خرد سیاسی» تعبیر کرد؛ بنابراین خرد سیاسی علاوه بر این که اصل لزوم تشکیل

حکومت و لزوم حفظ آن را بیان می‌کند، ظرفیت لازم برای پیش‌بینی مخاطرات و چالش‌های «خرده نظام»‌ها را داراست، از این توانایی نیز برخوردار است که چالش‌ها و مخاطرات کلان نظام را پیش‌بینی و برای مصون ماندن از آن راه کارهایی ارائه کند. به عبارت دیگر با توجه به این که شریعت اسلامی مشتمل بر ارائه «اصول» کلی است که ظرفیت جهت‌دهی به رفتار و کنش‌های انسانی را دارد، علاوه بر این امر به توان ادراکی و قوه شناختی نیاز است که با مطالعه شرایط و وضعیت جامعه نسبت به نیازهای جامعه اسلامی و نیز چالش‌هایی که حکم‌رانی در جامعه اسلامی را با تهدید مواجه می‌کند، راه کارهای مناسب برای مقابله با این چالش‌ها را شناسایی کند. این توان ادراکی و قوه شناختی چیزی نیست جز «خرد سیاسی». بنابراین خرد سیاسی بنیاد نظری برای هرگونه «نظام‌سازی دینی» خواهد بود.

۴-۱- لزوم حفظ نظام

چنین نیست که فقهای اسلامی نسبت به اموری که در جامعه اسلامی جنبه حیاتی دارند، غافل باشند. مباحث گسترده‌ای در فقه امامیه در این زمینه مطرح شده است. اگر در متون و منابع فقهی از «حفظ عقل»، «حفظ دین»، «حفظ نسل»، «حفظ جان» و «حفظ مال» به عنوان اهداف شریعت اسلامی یاد شده است (المکی العاملی، ۱۴۰۱: ۱۷۵) همه این موارد ذیل یک اصل کلی قرار می‌گیرد که عبارت است از «حفظ نظام» به عبارت دیگر، رتبه و مقام «حفظ نظام» مقدم بر هر هدف دیگری است که در فقه ترسیم شده است. این مطلب خود را در فرایند نظام‌سازی دینی به این نحو متبلور می‌سازد که «حفظ نظام» از اهم واجبات است.

البته ممکن است ظاهر برخی از عبارات فقیهان از جمله برخی عبارات حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) چنان باشد که مراد از «حفظ نظام» حفظ بلاد اسلامی از خطر دشمنان اسلام است (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۳۳)، اما روشن است که در قلمرو «حفظ نظام» آنچه موضوعیت دارد باقی مانند اصل نظام است. از این رو لازم است هرگونه تهدیدی که موجودیت این نظام را در مخاطره قرار می‌دهد، خواه از جناب دشمنان بلاد یا سایر موارد پیش‌بینی و در برابر آن تدبیری اندیشیده شود.

۴-۲- شناسایی چالش‌های نظام‌سازی

همان‌گونه که گفته شد، تشکیل حکومت یک حکم اصلی و اولیه در اندیشه اسلامی است و این حکم مشروط به شرط و قید خاصی نیست. با توجه به این که پس از تشکیل حکومت، حفظ و

دفاع از آن نیز واجب است، می‌توان به این نتیجه رسید که هر فعالیتی که حفظ و بقای حکومت اسلامی را تضمین می‌کند، از اموری است که از نظر شریعت اسلامی واجب شمرده می‌شود. در این زمینه یکی از مهم‌ترین واجبات، شناسایی چالش‌هایی است که بقای حکومت اسلامی را با تهدید مواجه می‌سازد. از آنجا که این چالش‌ها می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد و از فضای حقیقی گرفته تا فضای مجازی را شامل گردد و از حمله نظامی گرفته تا استعمار علمی فرهنگی را شامل گردد، وظیفه حفظ و دفاع از حکومت اسلامی نیز قلمروی گسترده‌ای را شامل می‌گردد؛ به عبارت دیگر لازم است یک نگرش همه‌جانبه و جامع نسبت به اموری که می‌تواند موجودیت حکومت اسلامی را با تهدید مواجه سازد، لازم است تا ضمن شناسایی چالش‌ها مقدمات لازم برای مقابله با این چالش‌ها را فراهم سازد.

اما این که این «تهدیدات» دقیقاً چیست و راه مقابله با آن کدام است، مسئله است که نیاز به مراجعه به «خرد سیاسی» دارد؛ به عبارت دیگر خرد سیاسی است. خرد سیاسی بر اساس تجزیه و تحلیلی که نسبت به وضعیت نظام دینی دارد، رابطه این نظام را با عناصر خارج از نظام بررسی می‌کند و در مواردی که به این تشخیص رسید که خطری موجودیت نظام دینی را در مخاطره قرار داده است، ضمن ارائه تصویری از ابعاد مختلف این خطر نسبت به واکاوی راه‌حل‌های مواجهه با آن و ایمن‌سازی نظام دینی در برابر خطر مذکور اقدام می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت «خرد سیاسی» حاکم بر همه برداشت‌های مربوط به نظام‌سازی دینی است.

ممکن است این پرسش مطرح گردد که توصیف یک «نظام‌سازی» به وصف «دینی» اقتضا می‌کند تا همه ابعاد این نظام‌سازی برخاسته از منابع معرفت دینی باشد؛ به عبارت دیگر لازم است عناصر نظام‌سازی دینی در متون و منابع دینی ریشه داشته باشد. حال چالشی که مطرح می‌شود این است که چه تضمینی وجود دارد که این نظام‌سازی بر اساس منابع معرفت و اندیشه دینی تدوین شده باشد؟ در پاسخ باید به این نکته توجه کرد که بر اساس نگرش امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) لازم است یک «مجتهد» جامع الشرایط مدیریت نظام دینی را برعهده داشته باشد و روشن است که فرایند نظام‌سازی نیز زیر نظر مجتهد جامع الشرایط انجام می‌گیرد، از این رو بُعد دینی نظام‌سازی حفظ خواهد شد.

۴-۳- ارائه راه کارهای تثبیت و تقویت نظام

یکی دیگر از نقش‌های خرد سیاسی در نظام‌سازی دینی آن است که به جستجوی راه کارهایی برای تثبیت و تقویت نظام پردازد. روشن است که یافتن چالش‌های یک نظام چیزی است و یافتن راه‌های تثبیت و تقویت آن چیز دیگر. از این رو خرد سیاسی در کنار واکاوی چالش‌های نظام‌سازی دینی، باید در راستای یافتن روش‌هایی برآید که موجب تثبیت و تقویت نظام‌سازی دینی می‌گردد. حضرت امام خمینی (ره) با توجه به این حقیقت اذعان می‌کند که لازم است در کنار تلاش برای جلوگیری از وقوع خلاف شرع، نسبت به ارائه تصویری از نظام اسلامی که در چشم جهانیان به ناتوانی در قدرت اداره جهان متهم نگردد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۶۱).

۴-۴- ایجاد هماهنگی میان نظام و مقتضیات زمان

روشن است که منابع معرفت دینی اعم از عقل و نقل مشتمل بر احکام و مسائل مختلفی است که در قالب یک نظام به هم پیوسته و منسجم ارائه نشده است. به عبارت دیگر به رغم آن که منابع معرفت دینی گستره بسیاری را شامل می‌شود، لازم است این معارف در قالب یک «برنامه مدوّن» و در راستای مدیریت و هدایت جامعه قرار گیرد. امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) در این زمینه می‌فرماید: «فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره‌ی یک کشور، اداره‌ی یک جامعه و اداره‌ی یک نظام باشد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

با توجه به این که اداره یک کشور و جامعه با مسائل نوپدید ظهور می‌کند که نیازمند استنباط و استخراج احکام شرعی است، لازم است شخصی که عهده‌دار استخراج نظام اداره جامعه است، هم نسبت به شناخت مقتضیات زمان و مکان اشراف لازم را داشته باشد و هم از نظر شم فقاها و اجتهاد توانایی لازم برای استخراج احکام دقیق دینی و نظام‌سازی متقن و دقیق دینی را واجد باشد. امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) در این زمینه اذعان می‌کنند که فقاها دارای دو رکن اساسی است: (۱) اصول معتدل و قوی، (۲) تطوّر فقه؛ و مراد از تطوّر فقه آن است که مجتهد توانایی آگاهی از پرسش‌ها و نیازهای زمانه را واجد باشد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ج ۱: ۶۲)؛ بنابراین در فرایند اجتهاد و استنباط نظام‌سازی دینی، افزون بر اصول و مبانی قوی و عاری از هرگونه زوائد، لازم است به نیازهای زمانه نیز توجه کافی صورت گیرد. البته نباید در فهم نیازهای زمانه چنان دچار افراط و تفریط شد. از این روست که حضرت امام خمینی (ره) از یک سو نسبت به خطر تحجّر گوشزد می‌کند و

از سوی دیگر نسبت به افتادن در دام تحریف دین اعلام خطر می‌کنند. ایشان بر این باور است که خطر تحجّرگرایان حوزه‌های علمیه را تهدید می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۱) و آنان مهم‌ترین چالش برای یک نظام‌سازی پیش‌رو می‌دانستند (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۲۵)، چه این که این دغدغه را داشتند که مبدا «برداشت‌های شخصی» یا آنچه که به‌عنوان تفسیر به رأی شناخته می‌شود بر متون و منابع دینی تحمیل گردد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۸).

نتیجه‌گیری

بر اساس مطالب گذشته می‌توان به این نتایج رسید: (۱) عقلانیت توانی ادراکی در انسان است. (۲) عقلانیت حکم می‌کند که برای حفظ حیات اجتماعی انسان، تشکیل حکومت لازم است. (۳) بر اساس ادراک عقلانی، حفظ حکومت و مقابله با چالش‌های آن امری لازم و ضروری است. (۴) بر اساس نگرش حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دام ظلّه الوارف) عقلانیت اسلامی این حکم عقلی مورد تأیید شریعت اسلامی قرار گرفته است. (۵) با توجه به این که حکم مذکور مقید و مشروط به هیچ شرط و قیدی نیست، می‌توان از حکم عقلانی مذکور که برآمده از خرد سیاسی محسوب می‌گردد، به یک حکم مطلق و اولیه یاد کرد. (۶) بر این اساس هرگونه حکمی در شریعت اسلامی «تابع» و «محکوم» حکم مذکور خواهد بود و در استنباط و استخراج هر حکم شرعی لازم است به مسئله حفظ نظام اسلامی توجه شود. (۷) افزون بر این، لازم است نسبت به چالش‌هایی که موجودیت حکومت اسلامی را تهدید می‌کند، تحقیق و پژوهش کرد و راه‌کارهای مقابله با این چالش‌ها را تدوین و تنظیم کرد. (۸) یکی از بهترین ابزاری که می‌تواند در تثبیت حکومت اسلامی مؤثر افتد «نظام‌سازی دینی» است. مقصود از نظام‌سازی دینی ارائه برنامه‌ای مدون و جامع برای اداره امور اجتماعی جامعه اسلامی است. (۹) این نظام‌سازی دینی همه ابعاد و اصلاح حکمرانی اسلامی را پوشش می‌دهد. (۱۰) با توجه به این که هرگونه نظام‌سازی باید بر اساس اصل «سازگاری» میان اجزا سامان یابد، بر اساس نظام‌سازی دینی زمینه برای بروز ناسازگاری و تعارض میان اضلاع مختلف حکمرانی اسلامی از میان خواهد رفت.

فهرست منابع

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۲۷ق). درء تعارض العقل و النقل (سید محمد سید و ابراهیم صادق، محققان). دار الحدیث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. دار احیاء التراث العربی.
- ابوزید، نصر حامد. (۱۹۹۴). نقد الخطاب الدینی. مرکز سینا للنشر.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹). بیانیه گام دوم انقلاب. مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹). حدیث ولایت. مؤسسه انتشارات انقلاب اسلامی.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی.
- امام خمینی، سید روح‌الله الموسوی. (۱۳۷۹). تحریر الوسیله (ج. ۱-۲). مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح‌الله الموسوی. (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل (چاپ ۲). مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح‌الله الموسوی. (۱۳۷۸). شئون و اختیارات ولی فقیه (جعفر کیوانی، مترجم). انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله الموسوی. (۱۳۸۵). صحیفه نور (ج. ۱-۲۲، چاپ ۴). مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح‌الله الموسوی. (۱۳۶۳). کتاب البیع (ج. ۱-۲). مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- امام خمینی، سید روح‌الله الموسوی. (۱۳۷۸). کشف اسرار (جعفر کیوانی، مترجم). انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- امام خمینی، سید روح‌الله الموسوی. (۱۳۸۱). ولایت فقیه (چاپ ۱۱). مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). شریعت در آینه معرفت (چاپ ۵). مؤسسه اسرار.
- الحرّ العاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. مؤسسه آل البیت (س).
- الحرانی، ابن شعبه. (۱۴۲۹ق). تحف العقول عن آل الرسول. منشورات الفجر.
- دوورژه، مویس. (۱۳۶۲). روش‌های علوم اجتماعی (خسرو اسدی، مترجم). انتشارات امیرکبیر.
- رشاد، علی اکبر. (۱۳۹۹). فرایند نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر نظام سیاسی. فقه و سیاست، ۲۱(۲).
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (ج. ۱، چاپ ۱۴). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیدباقری، سیدکاظم. (۱۴۰۰). نظام‌سازی در فقه سیاسی شیعه؛ روی‌کردها و توانمندی‌ها. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۹(۱۹).

صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۲۴ق). اقتصادنا (المؤتمر العالمی للامام الشهيد الصدر، محقق). پژوهشگاه علمی شهید صدر.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۲۲ق). نه‌ایه الحکمه (چاپ ۱۶). دفتر انتشارات اسلامی.

عینی‌زاده، محمد و مؤدب، سید رضا. (۱۳۹۶). نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۱ (۱)، پاییز و زمستان.

فضایلی، محمدحسین. (۱۳۹۹). درآمدی بر نظام‌سازی فقهی با روی‌کردی عقلی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۵ (۸۹)، بهار.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج. ۱-۴). دار الکتب الاسلامیه.

مصباح یزدی، مجتبی و محمدی، عبدالله. (۱۴۰۲). معرفت‌شناسی. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج. ۱-۵). انتشارات صدرا.

مقیمی، غلامحسین. (۱۳۹۹). ساختار حکومت اسلامی - ولایی و شبکه درونی آن. فقه و سیاست، ۱۱ (۱)، بهار و تابستان.

المکی العاملی، محمد بن جمال‌الدین. (۱۴۱۰ق). القواعد و الفوائد (سید عبدالهادی حکیم، محقق). مکتبه المفید. ملک افضل‌ی اردکانی، محسن، و دیگران. (۱۳۹۱). مفهوم نظام و کاربرد آن در فقه و اصول. مطالعات اسلامی فقه و اصول، ۴۴ (۱)، بهار.

موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۹). اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. حکومت اسلامی، ۲۵ (۱)، بهار.